



وصیت پاوراتی:

فقط شال گردن سفید مرا با من بخاک بسپارید!

به‌بهانه‌ی درگذشت پاوروتی جهان

زندگی با موسیقی، زیباترین شکل آنست

● آن‌روزها که «لولچیانو پاوروتی» - لوسیانو - از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد، دقیقاً نمی‌دانست که معلم باقی بماند یا این که به‌کار خوانندگی حرفه‌ای روی آورد؛ پدرش گفت: **لوجیانو! اگر سعی کنی که روی دو تا صندلی بنشینی، از وسط آن‌ها می‌افتی؛ پس باید يك صندلی را انتخاب کنی.**

پاوروتی معلمی را رها و به‌خوانندگی چسبید. او پس از هفت سال مطالعه و نویدی بود که در نخستین برنامه حرفه‌ی خود ظاهر شد و بار دیگر پس از هفت سال تلاش، به اپرای متروپولیتن راه یافت. او صندلی‌اش را انتخاب کرده و موفق هم شده بود.

به گزارش خبرنگار بخش فرهنگی مجله‌ی فردوسی لوجیانو پاوروتی، ۱۲ اکتبر ۱۹۳۵ در خانواده‌ای فقیر در مودنای ایتالیا متولد شد. پدرش خواننده‌ی آماتور ارتش موسولینی و یک نانوا بود.

او در جوانی عاشق فوتبال و یکی از اعضای تیم فوتبال شهر شد و بعد از سال‌ها تمرین صدا و نمایش‌های آماتوری با پدرش، برای شرکت در مسابقات بین‌المللی لیگین به شهر والس رفت و موفق به کسب جایزه‌ی اول این مسابقه شد. می‌گویند همین امر مقدمه‌ای شد که نخستین نقش حرفه‌ی‌اش را در سال ۱۹۶۱ با عنوان «رودولفو» اپرای خواننده دوره‌گرد (La Boheme) اثر جاکومو پوچینی، در سالن اپرای رجوا میلیا اجرا کند.

با اجرای این نقش، وی به‌عنوان خواننده‌ی اپرا رسمیت یافت و در سال ۱۹۶۵ در سالن کاونت گاردن لندن، توجه جان ساترلند - خواننده‌ی سوپرانو استرالیایی - را به خود جلب کرد و این آغاز فعالیت جهانی‌اش شد.

سپس به استرالیا رفت و چیزهای زیادی درباره‌ی تنظیم صدا و آوازخوانی از ساترلند یاد گرفت آن دو در اپراهای زیادی باهم ظاهر شدند؛ از جمله «خوابگرد» اثر وینچنزو بلینی و «فریب» اثر جوزفه وردی و همچنین صفحات زیادی را نیز باهم پر کردند.

از سال ۱۹۷۰ پاوروتی حضور گسترده‌ای در سالن‌های مشهور سراسر جهان پیدا کرد. گفته می‌شود، گرچه در ابتدا، تخصص وی اجرای نقش‌ها تند و تیز و سبکی چون الوینو در «خوابگرد» بود، اما بعدها توانایی اجرای نقش‌های سنگین‌تر مانند ریکاردو در اپرای یک بالماسکه‌اش را پیدا کرد. هم‌چنین وی کنسرت‌ها و نمایش‌های زیادی را از جمله در استادیوم‌های چندین هزار نفری اجرا کرد؛ به‌عنوان مثال می‌گویند، اجرای نقش دوک مانتوا از اپرای ریگولتوی وردی، با حضور ۲۰۰ هزار نفر در پارک مرکزی نیویورک از جمله شاهکارهای فوق‌العاده‌ی او بوده است.

وی امیدوار بود به این‌وسیله اپرا را به مردمی که تاکنون چیزی از اپرا نمی‌دانستند بیشتر معرفی می‌کند و آن‌ها را با این سبک موسیقی آشتی دهد.

پاوروتی با تشکیل گروه «پاوروتی و دوستان» که در آن خوانندگان مشهور بین‌المللی پاپ دنیا از جمله بریان آدامز، آناستازیا، سلین دیون، التون جان، اریک کلاپتون، انریکو ایلگسیاز، ریکی مارتین، استینگ و بسیاری دیگر، به او ملحق شده بودند، کنسرت‌های خیرخواهانه‌ی زیادی جهت کمک به کودکان جنگ‌زده اجرا کرد.

در سال ۱۹۹۰، با دو خواننده‌ی تنور اسپانیایی تیمی تشکیل دادند و در فینال جام جهانی فوتبال یک کنسرت تلویزیونی را در رم اجرا کردند که یک‌سال بعد جایزه‌ی «گرمی» را از آن خود کرد.

این تیم سه نفره به محبوبیت زیادی دست یافت و در مناسبت‌های زیادی از جمله مراسم فینال جام جهانی لس‌آنجلس در ۱۹۹۴، پاریس در ۱۹۹۸ و یوکوهوما‌ی ژاپن در ۲۰۰۲ برنامه اجرا کردند. این سه آلبوم از جمله پر فروش‌ترین آثار کلاسیک جهان به‌شمار می‌آیند.

وی همچنین چندین برنامه نیز با بزرگان پاپ از جمله بریان آدامز خواننده کانادایی، استینگ خواننده انگلیسی و گروه ایرلندی U2 اجرا کرده است.

او زندگی نامه خود را به نام داستان من (Pavarotti: My Own Story) در سال ۱۹۸۱ و دنیای من در سال ۱۹۹۵ منتشر کرد.

اپرای عروسکی فیگارو و دون ژوان، آثار وردی، پاوروتی و دوستان و مادر از اجراهای دیدنی و ماندگار به‌شمار می‌روند.

لولچیانو پاوروتی هیچ‌گاه خود را وادار به یادگیری نت‌ها و تکرار آنها نکرد، او بیشتر مواقع از استعداد ذاتی خود بهره گرفته و نخستین هنرمند اپرا بود که از قدرت رسانه‌ها برای پیشبرد کارها و موفقیتش استفاده نکرد.

پاوروتی در ۱۳ مارس ۲۰۰۴ در سالن متروپولیتن نیویورک با اجرای آخرین برنامه‌اش رسماً از دنیای اپرا خداحافظی کرد.

وی صبح پنج‌شنبه، ۱۵ شهریور - ششم سپتامبر ۲۰۰۷، در سن ۷۱ سالگی در شهر مودنای ایتالیا درگذشت.

پاوروتی که به‌خاطر سرطان لوزالمعده تحت درمان بود، در ماه ژوئیه ۲۰۰۶ برای درمان سرطان پانکراس در نیویورک تحت عمل جراحی قرار گرفته و از آن زمان تاکنون در انتظار عمومی ظاهر نشد.

طی هفته‌ی جاری اعلام شده بود که پاوراتی به پاس فعالیت‌هایش در ترویج فرهنگ ایتالیا جایزه‌ای دولتی دریافت خواهد کرد.

او نخستین کسی بود که قرار بود جایزه‌ی فرهنگ ایتالیا را دریافت کند. خودش گفته بود: این جایزه وجودم را از شادی و غرور پر می‌کند.

به‌رغم خوشبینی‌ها نسبت به توانایی پاوروتی برای ازسرگیری تور خداحافظی در سال جاری، وضعیت سلامتی‌اش مانع بازگشت او به صحنه شد.

وی آخرین بار، ابتدای سال ۲۰۰۶، در مراسم افتتاحیه المپیک زمستانی تورین برنامه‌ای عمومی اجرا کرد.

او همیشه می‌گفت: من فکر می‌کنم زندگی توام با موسیقی، زیباترین نوع زندگی است، به‌همین دلیل همواره زندگی‌ام را وقف موسیقی کرده‌ام.